

مجلهٔ فکاهی

ملانصرالدین



آبان ۱۴۰۳

سال ششم- شماره دوازدهم

گاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری گاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.



دو کلوم حرف حِیز

به قلم شلغم آقا، جناب مستطاب سردبیر

از همون وختا که موچولو کوچولو بودم، خعلی دوست داشتم برم بلاد خارجه.
البته از اون جور خارجه‌های گدا گشول، نه ها! از اون خارجه‌هایی که هم خودش پولدار بود و هم ما را پولدار می‌کرد. از اون جور خارجه جیگرها..!
اینقده این پا و اون پا کردم تا این که این ترامپ لامصب ما را تحریم کرد. بعدش هم چند تا تحریم چند لایهٔ تپل انداخت پشت بندش و با دفاع چند لایه، راه ما را بست که بست.
خب به نظر شما من که تحریم هستم، چطوری برم بلاد خارجه؟
داشتم فک می‌کردم که چطوری و مطوری که یهو یه قانون جدید انداخت این دفعه اون ورش که اصلا و اصولا ایرانی جماعت غلط می‌کنه پاشو بذاره اون ور مرز ما. خب این ورز مرزشون هم که اقیانوسه... چطوری برم آخه؟
توو همین فکرها بودم که «اندوه لبنان کشت ما را» و افتادیم عدل وسط جنگ غزه. ما هم که دوست و دشمن حالیمون نیست، از عشق لاتی، خودمونو انداختیم عدل وسط غائله و اون وخ شد وخت خارجه رفتن. اون هم کجا؟ به غزه؟
بی‌مزه!
باز هم توو فک افتادیم که خدایگارا، پروردگارا آخه حالا چطوری برم خارجه؟
توو همین افاضات از من و سکوت مطلق از حضرت حق بودیم که یه اتفاق دیگه افتاد.
چه اتفاقی؟
خو صبر کن دارم می‌گم؛
آلمان‌ها یه جمشیدی داشتن که بچهٔ سر راهی بود، با کاردک از کف زمین کندنش، ورش داشتن پاکش کردن و به فرزندی قبولش کردن و شد تبعهٔ آلمان و حومه. یعنی شینگن هم داشت دیگه، کل اروپا هم حومهٔ آلمان.
ببین مردوم چه شانس‌هایی می‌یارن!
اروپا کمش بود، زد و شوهر کرد رفت ایالات عمرا متحد و عدل در لس آنجلوسش و کارش اون جا سخت و سفت گرفت.
حکایت سیب سرخو شنیدی دیگه؟
چرا؟
بچهٔ سر راهی باشی و مفت و مجانی بچهٔ ندیده نشنیدهٔ پولدارهای خارجه بشی و بعد بری آمریکا اون جا هم عشق و حال... خداییش اگه من بودم ادعای خدایی می‌کردم.
واسهٔ این طفلک هم همین طورکی شد.
آقا یه رادیو زد و داخل رادیو هر چی جیغ داشت سر این آخوندای زبون نفهم ما زد. بعد دید که دهه، واسه چی جواب نمی‌دن؟ عقلش نرسید که بابا این‌ها همون کتاب‌های دینی خودشون رو هم تورق می‌کنن، وخت بذارن رادیوی تو رو گوش بدن؟
آقا قاطی کرد و شروع کرد واسشون کت درآوردن و سک و سینه بیرون انداختن که من آنم که رستم جهان را گرفت و بعد هم با یه عده‌ای که توو کار زنبیل گذاشتن توو صف بودن دست به یکی شد و یه زنبیل پر از مواد منفجره گذاشت توو یه مسجدِ شیراز و بعد هم ترکید و کلی کشته و زخمی و ... بقیهٔ قضایا.
باز دید این‌ها اصلا نمی‌دونن چی به چیه... فک می‌کنن کار داعش و القاعده و این‌هاست، نه گذاشت و نه ورداشت رفت توو تلویزیون و عدل گفت نشون به اون نشون که کار من بود.
فیلمش هم داد همه ببینن.
خوبی این کار چی بود؟
ها..!
بلاخره آخوندا سرشون رو از روی کتابی که بلد نبودن بخونن و هی تورقش می‌کردن ورداشتن و یه نگاه انداختن بهش که «مرتیکهٔ *&٪$# کار تو بود؟»

- «بعله که من بودم. پس چی؟»
هیچی دیگه، این‌ها هم سر بزنگاه یارو رو خر کردن کشیدنش دوبی و انداختن توو گونی و آوردن ایرون و خالیش کردن توو زندون و محاکمهٔ تپل و بقیهٔ قضایای حلق آویز و بقیهٔ ماجرای پس از اعدام که دیگه خودتون هم ملتفت شدین.
حالا این حرف‌ها چه ربطی به خارج رفتن من داره؟
هیچی! ننه بابای «خدا شانس بدهٔ» یارو شلوغش کردن که وای بچه‌ام، وای جیگر گوشه‌ام و کل کنسولگری‌های ما را بستن هیچ، تازه‌شم گفتن هواپیماتون پنچر بشه عمرا تعمیر کنیم و ... من که خودم از قبل، یه دوجین علت داشتم که چرا نمی‌تونم برم خارج، باز هم دو، سه تا رفت پشت بندش..!
حالا هدف من از نوشتن این مطلب به این گندگی چیه؟
اینه که می‌خوام از مسیولان مسلول عزیز خودمون بخوام که لطفا دیگه کنسولگری‌های آلمان را در ایران نبندین.
می‌دونین چرا؟
چون باز هم یه علت دیگه به جمع علل این که من نمی‌تونم برم خارج اضافه می‌شه... تا حالا کلی علت شده، شاید ده تا، شاید بیست تا، شاید هم بیشتر...
من اولش فقط یه علت موچولو کوچولو داشتم؛ فقط پول نداشتم...





ستاد تکرار مکررات ایجاد شد

ستاد تکرار مکررات برای هماهنگی بین سیاست‌ها، مواضع و وعده‌های اجرا نشده در طول چهل سال گذشته ایجاد شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، افزایش سن مسیولین و ضعف حافظهٔ مفرطِ آن‌ها بعد از گذشت چهل سال آزگاررر... باعث شده است که بسیاری از وعده‌ها، سیاست‌ها و مواضع هر بار در دهان مسیولین عین لق لقه زبان بچرخد و آن‌ها یادشان نباشد که «مرتیکه همین وعده را چهل سال پیش، فلان مسیول گفته، اما بعدش با باد شکمش، سر از هواکش خلا درآورده...»

به همین جهت اتوماسیونی ایجاد شده که مسیول مربوطه کافی است با نوشتن کلید واژه‌های وعده‌های داده شده، به سرعت به اطلاعات مربوط به آن وعدهٔ «به چپ مسیولین وقت بسته» دسترسی پیدا کنند و از تکرار نعل به نعل آن وعده یا سیاست، یا شعار در پیت معینی خودداری فرمایند.

کافی است با ثبت نام از طریق ایمیل از این خدمت عالی استفاده کنند. مسیولین گشاد[ه رو] می‌توانند در عوض طی مراحل وقتگیر ثبت نام، از خدمات جی میل جهت تسهیل ثبت نام بهره مند شوند.

ادغام دو پدیده «پرستو» و «آهوی دریایی»

در پی ظهور پدیدهٔ آهوی دریایی از نوع دانشگاهی در رقابت با پدیدهٔ کاملا بومی «پرستو» از نوع صیغه‌خانه‌ای، دستور عملی برای ادغام این دو پدیده، به منظور حل مسالهٔ حجاب صادر شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این طرح که قرار است به زودی در سراسر کشور اجرا شود، آهوان دریایی را به منظور بهرمندی از آزادی حجاب، در اختیار متصدیان صیغه‌خانه قرار خواهند داد، تا با تبدیل شدن به پرستو، از همهٔ امکانات و معافیت‌های جنسی از جمله حجاب برخوردار شوند.

شایان گفتن است که زنان به طور کامل باید از حجاب اسلامی پوشیده، ترجیحا چادر برخوردار باشند، مگر پرستوها که از همه معافیت‌ها تا حد ۱۸+ برخوردارند. طبق اطلاعات واصله، آهوان دریایی صرفا در قالب پرستو می‌توانند «بی‌خیال همه چی» شوند و فعالیت آزادانهٔ آهوان دریایی، فاقد مجوز مربوطه و زیرزمینی محسوب خواهد شد.

ساماندهی کولبری اندر ساماندهی مجدد

سالگرد ساماندهی مجدد کولبری پس از چند ساماندهی آغاز شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، برنامهٔ ساماندهی مجدد کولبری به مراسمی سالانه تبدیل شده است که موعد امسال آن به زودی آغاز می‌شود. بعد از ساماندهی وضعیت بازنشستگی، ساماندهی وضعیت کولبران، بیشترین مراسم سالانه را سپری کرده است.

برنامه‌های ساماندهی برای وعده‌های متعدد به زودی اعلام خواهد شد.

امام جمعه‌ها استراتژیست می‌شوند

طی اظهار نظر امام جمعهٔ شهرستان زرندیه از توابع استان مرکزی دربارهٔ سیستم پدافند هوایی کشور، مقرر شد تا از ائمهٔ جمعهٔ شهرهای کوچک کشور در کسوت استراتژیست استفاده شود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین و به نقل از خبرگزاری مهر، امام جمعهٔ زرندیه اعلام کرد: «ایران اسلامی صاحب یکی از قوی ترین پدافندهای روز در دنیا است.»

در پی این اظهار نظر درخواست‌های متعددی از متخصصان در این باره صادر شده است که از بقیهٔ ائمهٔ جمعه هم درخواست شود که در حوزهٔ استراتژی، نظریات ارزشمند خود را حواله دهند.

هرچند ائمهٔ محترم جمعه تاکنون شهامت و قدرت خود را برای اظهار نظر دربارهٔ حوزه‌های مختلف علمی ثابت کرده‌اند، این نخستین باری است که امام جمعه‌ای در حوزهٔ استراتژیک اظهار نظر می‌کند، یا از نخستین موارد است.







گفتگو با دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

– استاد! دیدین چی شد؟

• نه خیر! من به چیزی که ربطی بهم نداره، نگاه نمی‌کنم. سرم توو آخورمه و به تنها چیزی که به من ربط داره نگاه می‌کنم.

– لابد یونجه..!

• آوردی؟

– بعله استاد! شما که بدون یونجه عمرا مصاحبه بدین.

• فرمایش..!

– ترامپ شد رئیس‌جمهوری آمریکا...

• لابد می‌خواستی کاملا هریس بشه؟

– همه می‌گفتن بخت اول اونه...

• همه غلط کردن و تو.

– آخه چرا استاد؟ مگه چش بودن زن بی‌چاره؟ هم با کلاس بود، هم دادستان بود، هم...

• هم هندی بود، هم زن بود... تو می‌دونی مردم آمریکا اون قدر باهوش نیستن که بتون تشخیص بدن هندی بودن لزوما به معنی سرخ‌پوست بودن نیست؟

– آره این‌ها به سرخ‌پوست می‌گن ایندین..!

• هیلاری کلینتون هم سفید بود، اون قدر که کل نژاد برتر سفید از دیدنش عشق می‌کرد و هم زن یه رئیس‌جمهوری محبوب بود. چی شد؟ شوت شد رفت هوا... به جاش این گامبو اومد. قابل توجه امثال تو که خیال می‌کنی برابری جنسیتی در آمریکا حاکمه...

– یعنی نیست؟

• فک می‌کنی جایی که به جای پول خرد بهت زن می‌دن، برابری جنسیتی هست؟ بدم می‌آد اینقذه ساده‌ای!

– استاد پاک گیج شدم.

• برو یه لیوان آب بخور و بعد بشین عناصر دو تا نامزد رو بچین رو میز کنار هم؛ یه سفید پوست نژاد پرستِ تپل، با موهای بور و نگاه یه گاوچرون در برابر یه زن سیاه یا رنگین پوست و با لبخند احمقانهٔ یه مادر که داره به بچهٔ شاشوی خودش قوت قلب می‌ده تا مهربون به نظر بیاد...

– خنده‌هاش که خعلی رو مخه..!

• در برابر اخم و تخم و اون قیافهٔ یبس و لاف‌های توو پیت حلبی ترامپ...

– اوف! فاجعه..! گرفتم..!

• پس گرفتی؟ به عنوان یه بچهٔ انسان زود گرفتی... حالا فهمیدی که آمریکایی‌های به رمان کلبهٔ عمو توم دقیقا از چه زاویه‌ای نگاه می‌کنن؟ درست برعکس نگاه تو..! در آمریکا شهروندان به دو دسته تقسیم می‌شن؛ اکثریت سفید پوست و اقلیت رنگین پوست... اولی صاحب کشور و دومی مهاجر...

– پس تکلیف سرخ‌پوست‌ها چی می‌شه؟ این‌ها که قبل از سفید پوست‌ها بودن.

• رنگین پوستن، پس مهاجرن، حداکثر لاتینو، مث مکزیکی‌ها... البته خودشون عاقل بودن و بعد از این که کشتار شدن و اکثر قریب به اتفاقشون لت و پار شدن، سیاست رو بوسیدن و گذاشتن کنار. واسهٔ ته مونده‌های کشتار، زمین به اندازهٔ کافی بود و چاه نفت هم پیدا کردن و حالا دیگه افتادن توو سرمایه‌گذاری و پول و پله..!



– بالاخره آمریکایی حساب می‌شن یا نه؟

• کسی که پول داره، البته که آمریکائیه... مگه ترامپ کیه؟ یه آلمانی مهاجر از کانادا که باباش اون جا خراب‌خونه داشت و بعد یکی از همون زن خراب‌ها را گرفت، ترامپ رو درست کرد و بعد ترامپ هم دو تا از زن خراب‌ها را گرفت که حالا دومی رو داره... باز هم بگم؟

– زکی! عجب حکایتی!

• فک کردی هالیوود چیه؟ این‌ها خواستن مث ما شاهنامه بنویسن واسه تاریخشون، شد اینی که می‌بینی... شیش ستاره! بیشتر هنرپیشه‌های زنش اولش توو کار...

– استاد...استاد...استاد..!

• چیه مگه؟ خب اولش پول نداشتن... به قول سلمی حایک، همیشه درآمد یه هنرپیشهٔ زن هالیوودی نصف درآمد یه هنرپیشهٔ مرده، مگه اون‌هایی که توو کار پورنوگرافی هستن. ماجرای استورمی دانیلز را با ترامپ برات بگم؟

– استاد، اینو که دیگه همه می‌دونن.

• خخخخ..! آدم با همچی پیشینه‌ای، با استورمی دانیلز هم اون رسوایی شیش ستاره را بار بیاره، بعد هم تحت تعقیب دادگاه‌های کشور باشه و بعد بشه پرزیدنت چهل و هفتم ایالات متحده... اون هم با این فاصلهٔ آرا...

– ظاهرا قراره بهش عفو بخوره... این طور خوندم.

• بچهٔ ساده! خب معلومه چطوری... شخص پریزیدنت خودش رو عفو می‌کنه...

– ای زرشک! موقعی که درس می‌خوندیم، توی یکی از کتاب‌های درسیمون نوشته شده بود؛ نظام آمریکا توو هر کشوری اجرا شده، به دیکتاتوری هولناکی منجر شده، مگه خود آمریکا، چون اون جا تعادلی هست که ...

• نه‌خیر! چون اون جا دیکتاتوراش پشت پرده نشستن و هر کی رو که با دو چشم غیر مسلح می‌شه دید، هنرپیشه‌ای بیش نیست. از نظام آمریکا اصولا دموکراسی در نمی‌آد، بلکه قراره شبحی برای دموکراسی باشه، نه خود دموکراسی. مردمی که می‌رن فروشگاه و مث پفک نمکی انواع و اقسام اسلحه رو می‌خرن، خیال می‌کنی می‌تونن اصلا دموکراسی را تصور کنن. حتی در خواب؟

– می‌گن برای دفاع از خوده...

• آره! اسرائیل هم داره از خودش دفاع می‌کنه.

– ها..! از اون لحاظ..!

• خعلی خب! طبق معمول فهمیدی از کدوم لحاظ... حالا بزن به چاک تا من به یونجه‌ام برسم.

– خیلی خب، باشه... خدافز!



گپ و گفت

عبود و جاسم

- موگوم جاسم! ای وزیر دارایی سودان اومده تهرون، سی چی؟
• الهی! پروردگارا..! عنایتی کن من زن بشم.
- سی چی می‌خوای زن بشی؟
• که شوهر کنم، بعد حامله بشم، بعد سر زا برم، از شر تو و این خبرهات خلاص بشم.
- خو جاسم! او روز توو موبایلوم نوشته بود که پایتخت سودان، اسمش چی بود، یه جای فیل بود...
• خرطوم..!
- ها باریکلا... همون جای فیل... نوشته بود توو موبایلوم که اون جا دعواس... هی یه عده چاقوکشا پیروز می‌شن، بعد شکست می‌خورن یه عده دیگه می‌آن... همین جور زندگی می‌گذرونن.
• حالا درد تو چیه که بیداروم کردی؟
- ها خواب بودی... عجب سئوال مسخره‌ای! تو که همیشه خوابی. هیچی تعجب کردم که وزیر امور پولی و حقوق و این جور چیزا دارن. بعدش هم اومدن تهرون تا رابطهٔ اقتصادی با ایرانو... خب؟... زیاد کنن. عجیب نیست؟
• عباس آقا قصاب، با عموری دعوا نداره؟
- خو چرا... چهار سال پیش سر یه بره دعواشون شد، هنوز توو سر و کلهٔ هم می‌زنن.
• بعد دعوا چی کار می‌کنن؟
- می‌رن سر کار، دم مغازه...
• خو سودان اگه بخواد دعوا کنه، باید پول داشته باشه یا نه؟
- ها اینوم حرفیه... اما این‌ها همیشه دعوا می‌کنن. یعنی نصف و نصف...
• خو شاید اومده از ایران اسلحه و این جور چیزا بخره، سی دعوا... مث همی موشک پوشک‌ها که اینداختیم رو سر اسرئیل...
- این‌ها موشک سی چی‌شونه؟ یخته تفنگ و تیر و توپ و تانک سی‌شون کافیه.
• والله اگه از ما بشنفی دمپایه لاستیکی هم سی‌شون اسلحه‌ان.
- به خدا..! همی ننه سکینه با دمپایی می‌زد رو کو... نه نه، رو باسنم، جاش چند ماه می‌موند. یه بار دمپایی رو گم کرد، شورتوم کشید پایین، شماره را از رو همون قنب...
• همون باسن!
- ها همون باسن، از روش نیگا کرد رفت خرید.
• این حرفانو به همی جاموسا بگی بهت می‌خندن. می‌خوای من باور کنوم؟
- جاموس، گاوه. چی می‌فهمه؟ تو آدمی، خیر شکمت، تو باید باور کنی.
• عبود! من الان می‌خوابم بخوابم... نشنوم صدام کنی .
- بگیر بکپ!



کارتون‌های وطنی

علی ادبی

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین
حیدر سهیلی اصفهانی

کارتون‌های ملانصرالدین









خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین
حیدر سهیلی اصفهانی

sohaili cartoon©2024





Sohaili Esfahani





نامه‌های جنجالی



درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اَصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.
گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران، محصولات بی‌ربط و ضعیفی می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چاپلین مسلمان شده است.
من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.
در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگرکامه‌لا هریس نامزد دموکرات‌ها بخواهد برای مردم کشورش نامه‌ای بنویسد، چه خواهد نوشت؟

بعد از اون شکست مفتضحانه که تاریخ آمریکا را از خنده جر داد، خواستم خعلی مؤدبانه از شما خداحافظی و تشکر کنم و کلی هم کلاس گذشتم و پیام خعلی تاپ کلاسی بهتون دادم که بعضی‌هاتون هم آبغوره گرفتین و از این جور قضایا.
اما راستش را بخواین ای ملت عظیم‌الشأن آمریکا، هر چی به خودم فشار آوردم که کامه‌لا! کامه‌لا! بابا بی‌خیال... دیدم نه واقعا که... واقعا که کمتونه.
دفعهٔ قبل همین ترامپ گامبو اومد انتخابات با این جو پیری که شما بهش می‌گین پریزیدنت بایدن رقابت کرد، بعد شما به این پیری که دماغش رو می‌گرفتین ریقش در می‌اومد، رای دادین و ترامپ را سنگ روی یخ کردین.
من با خودم گفتم هر چی باشه، من دیگه از این بایدن خل وضع بهترم.
یعنی خداییش بهتر نبودم؟
بعد شمای یک کاره، بعد از اون همه بلا که ترامپ سرتون آورد، زرتی رفتین بهش رای دادین تا منِ بچه بدبخت هندی را سنگ روی یخ کنین.
جون توو جونتون کنن، نژاد پرستین اون هم از لول بالا... تنها سطح بالاتون همین نژادپرستیه.
می‌گن ترامپ به ما قول بهبود اوضاع اقتصادی رو داده... این تا حالا به کی قول داده و اجرا کرده، ها؟ دورهٔ قبل هم کرونا به دادش رسید و همه را انداخت گردن کرونا.
اما حالا چی؟
یه دادستان مؤنث با کلاس مث منو دادین رفت و اون خیکی بی‌مصرف را دوبارهٔ آوردین سر گه‌کاریاش. چرا؟ واسه خاطر این که مث سگ‌هایِ بورِ گل منگلیتون، سفید و زرده.
بیشتر از همه، از این زن‌ها حرصم می‌گیره... خب آبجی، سگ بولداگ می‌خواستی می‌رفتی می‌خریدی. اصن خودم بهتون هدیه می‌کردم. عآره ارواح شیکمتون حالا وضعتون خوب می‌شه... توپ!
اگه همتون ایلان ماسکید، باید بگم با اعلام نتایج، وضعتون توپ شد، ۲۶ میلیارد دلار و اندی فقط ارزش سهامش زد رفت چسبید به تاق. شما در عوض فقط یه زن تیره پوست را نگذاشتین بره توو کاخ سفیدتون، مبادا نژادتون اوخ بشه.
می‌دونین چند درصد سیاه‌پوست، مسلمون، عرب و آسیایی تبار به این پیت حلبی بو گندو رای دادن؟
برو بینیم بابا... من یکی دیگه رد دادم!
اصن انگار روز انتخابات همتون دیوونه شده بودین.
یه شب قبلش نشسته بودیم بحث می‌کردیم که من با چند درصد بیشتر شکستش می‌دم و چند تا رای الگتورال بیشتر از اون می‌گیرم، فرداش جوری عقب موندم انگار که واشر سوزوندم، آب و روغن قاطی کردم.
فک می‌کنین خعلی ناراحتم؟
اصن و ابدا..! البته کمی بغض دارم و دیشب هم کمی گریه کردم، اما به خاطر شما نبود. یاد بابام افتادم.
اگه یکی از اون خبرنگارای فضول عکسم را در حال گریه گرفته، حواستون باشه که من یاد بابام افتادم. خلاص !
در واقع، لیاقتتون همینه! چرا من باید جلوی لیاقتتونو بگیرم؟ ها؟ چرا؟
اصن بی‌کارم؟ می‌دونین چقذه کار سرم ریخته؟ من یک کاره رو بگو، تازه می‌خواستم کلی هم کارهای کاخ سفید رو بریزم رو سرم.
بهتر ! اصن خلاص شدم.
شما بمونین و این پیت کثافت که فردا کاخ سفید رو بکنه واستون عشرتکدهٔ باباش. استورمی ویلیامز که یادتونه، ها؟
حالا چهره‌های جدیدی واستون رو می‌شه. بذار دهنم رو ببندم و گذشتهٔ «فرست لیدی» را روی میز نکوبم. عآره!
آقا برین خوش باشین!
ما را نخواستین دیگه... بجهندم... حقتون همینه، نه یکی مث من...
می‌گن کامه‌لا زیادی می‌خنده... عه؟ زیادی می‌خندم؟ می‌باس مث این سگ زرد، عین برج زهر مار ، وایمی‌ستادم و بر بر بهتون نگاه می‌کردم و می‌گفتم: «من عظمت آمریکا را بر می‌گردونم. من آمریکا را بزرگ خواهم کرد.»
شما هم عین میمون جیغ می‌کشیدین و هورا می‌کشیدین.
کی می‌خواد آمریکا را بزرگ کنه؟ این؟ این شورتش رو هم براش با چسب کارتون بستن، وگرنه بین دو زانوهاش می‌افتاد.
این فقط می‌تونه شکم و باسنش رو بزرگ کنه که کرده، عین بشکه. عین صندوق عقب کلادیلاک‌های قدیمی.
حالا منو بگو که دارم براتون نامه می‌نویسم. آقا دلتون اینو خواست بش رای دادین دیگه، خب برین حالشو ببرین... بذارین من هم به کار و زندگیم برسم که واسه خاطر شما کلی عقب انداختم...
ده برین دیگه..!!!
حتما می‌باس صدامو بلند کنم؟





کارتون های خارجی





کارتون های خارجی





اخبار خارجه

سیل در والنسیا، کشتار در غزه

در پی محرومیت اروپای غربی از جنگ و انحصار جنگ به مناطق شرقی از جمله اوکراین و غزه و لبنان، برنامه‌ای برای ایجاد بحران طبیعی در اروپای غربی هم آغاز شده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، هرچند تعداد تلفات سیل در والنسیای اسپانیا به ۱۵۸ مورد محدود مانده است، اما مقام‌های اسپانیایی امیدوارند که برنامه‌های طبیعی بعدی بتواند به آن‌ها کمک کند که به رکوردهای سنگین اوکراین و غزه و لبنان که از مرز ده‌ها هزار نفر گذشته و بزودی سر به صد هزار نفر خواهد زد، اندکی نزدیک شوند.

چون غربی‌ها اصلا مایل نیستند که در هیچ کدام از رکوردهای جهان، از شرق و خصوصا خاورمیانه عقب بمانند.



گسترش دامنهٔ یهودستیزی

در پی چاقو کشی در جریان بازی تیم مکابی اسرائیل و آژاکس آمستردام هلند، دولت اسرائیل زخمی شدن ده نفر از اتباعش را مصداق یهودستیزی در هلند اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، از این پس هر گونه خشونتی ضد یهودیان یا کسانی که خود را درست یا غلط یهودی بنامند، مصداق یهودستیزی است.

در همین رابطه، دیروز زنی غیر یهودی با ماهی تابه به چهرهٔ شوهر یهودی‌اش کوبید و به علاوه، شدت ضربه باعث شده است که نشانهٔ شرکت سازندهٔ ماهی‌تابه هم روی چهرهٔ مرد یهودی نقش ببندد. به همین سبب، دادگاه مربوطه نه تنها زن را به یهودستیزی متهم کرد، بلکه شرکت سازنده هم به سبب نقش بستن برندش روی چهرهٔ قربانی یهودی، به یهودستیزی محکوم شده است.

برنامهٔ بیست سالهٔ اسرائیل برای آزادی گروگان‌ها

در پی اعلام اولویت وزیر دفاع جدید اسرائیل برای بازگرداندن گروگان‌های تحت اسارت حماس که اولویت وزیر دفاع قبلی بود، احتمالا این برنامه برای وزیران دفاع آیندهٔ اسرائیل هم تعیین خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یسرائیل کاتز دومین وزیر دفاعی است که با این ماموریت کارش را آغاز کرده است و هنگام برکناریش، این ماموریت به وزیر دفاع بعدی سپرده خواهد شد.

اعتراض استورمی دانیلز به ترامپ

در پی تعیین سوزی والیس در جایگاه ریاست کارکنان کاخ سفید، استورمی دانیلز هنرپیشهٔ پورنی که قبلا با ترامپ رابطه جنسی برقرار کرده بود، خواستار تعیین مقامی هم برای خودش شده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، استورمی دانیلز با صدور بیانیه‌ای از ترامپ خواست که اگر ریاست کاخ سفید را به دیگری داده است، دست کم، ادارهٔ اتاق خواب ترامپ را در این کاخ به او بدهد.

سخنگوی ترامپ در پاسخ به او تاکید کرد با توجه به این که ریاست اتاق خواب پریزیدنت در اختیار یکی دیگر از همکاران سابق استورمی دانیلز است، چنین امکانی فعلا وجود ندارد.







خوشگل الحکایات

شده بازنده و بدخنده و درمانده هریس
جفت چشماش شده خیس
ای دو صد فوش بر این بخت حریص
ای دو صد فوش بر این بخت حریص

خصمشو ریز می‌دید نامزد خوش خندهٔ ما
بهش می‌گفت بشین بابا..!
تو برو همون دهات پدری، توو ژرمانی
پشم گوسفندو بریس

شده بازنده و بدخنده و درمانده هریس
جفت چشماش شده خیس
ای دو صد فوش بر این بخت حریص
ای دو صد فوش بر این بخت حریص

باورش نشد که این گامبو ترامب بی کلاس
این طوری بشه پلاس
همچی چیزی ندیده از دورهٔ چکش و داس
تازه‌شم اومده با قمپز و کلی پز و فیس

شده بازنده و بدخنده و درمانده هریس
جفت چشماش شده خیس
ای دو صد فوش بر این بخت حریص
ای دو صد فوش بر این بخت حریص

انتخابات شد تموم
ترامپ هم رفته حموم
تا همه چیزو بشوره و بره از سر شوم
خلق دنیا همه هیس..!
از جمله آبجی هریس.



اشعرالشعرای پخته دل
حیدر سهیلی اصفهانی (صخره)

Molla Nasroddin Satire Magazine 72

